

دلایل تقاضای زنان به فعالیت بیرون از خانه و اثرات اشتغال آنها بر روابط خانوادگی

مهرزاد ذاکر: کارشناس ارشد رشته مطالعات زنان - دانشگاه آزاد واحد علوم تحقیقات

چکیده:

چگونگی هرم قدرت در نهاد خانواده و عوامل تغییر آن از موضوعات مورد بحث در اندیشه و نظریه اجتماعی بوده و در طول تاریخ بر اثر عوامل متعددی دستخوش تحول شده است. هدف در این بررسی، پی بردن به دلایل تقاضای زنان به کار و فعالیت در بیرون خانه و همچنین مطالعه قدرت و تصمیم گیری زنان خانه دار و شاغل و اثرات اشتغال آنها بر روابط خانوادگی میباشد. جامعه مورد مطالعه در این پژوهش زنان شاغل و کارمند آموزش و پرورش و زنان خانه داری که همسر آنها در آموزش و پرورش شاغل و ساکن شهر کرج می باشند و ۳ سال از ازدواج آنها گذشته باشد و حداقل یک فرزند داشته باشند. در پژوهش حاضر از نظریه منابع برای توضیح چگونگی الگوی قدرت در خانواده استفاده شده است. اطلاعات لازم از طریق پرسشنامه و به شیوه مصاحبه حضوری جمع آوری شده است. برای تحلیل اطلاعات از برنامه SPSS استفاده شده است. نتایج این پژوهش نشان می دهد که الگوی قدرت در خانواده تحت تأثیر عواملی همچون پایگاه اجتماعی و اقتصادی خانواده، وضعیت اشتغال زنان، میزان تحصیلات زنان و مردان، درآمد مردان و زنان تغییر می کند. هم چنین اشتغال زنان یکی از عوامل مهم و اثرگذار در چگونگی الگوی قدرت در خانواده بوده است.

مقدمه :

جامعه انسانی از نهادها و سازمان ها و تأسیسات اجتماعی گوناگونی تشکیل شده که از این میان خانواده به عنوان نهاد اجتماعی، رکن اساسی در دوام و قوام جامعه را بر عهده دارد. زن و مرد در خانواده وظایف متعددی بر عهده داشتند که هم زمان با تغییر ابعاد خانواده حدود وظایف و مسئولیت های هر کدام نیز دگرگون شد. مردان مانند گذشته فعالیت های اقتصادی خارج از خانه را بر عهده داشتند و زنان با توجه به شهرنشینی و محدود شدن تعداد فرزندان و بالا رفتن سطح زندگی، تشویق به خروج از خانه و فعالیت اقتصادی جدید شدند. هم زمان با انقلاب صنعتی و ایجاد مشاغل جدید نیروی کار زنان در فعالیت های صنعتی نیز به کار گمارده شد و این امر زمینه ساز تحولات جدیدی در زندگی خانوادگی گردید. مردان در تعدادی از جوامع همچون ایران همواره رکن اساسی و تصمیم گیرنده و برنامه ریز بوده و کنترل و اداره منزل بر عهده آنان بود و زنان فقط نقش تابعی در ارتباط با مردان داشتند، کارهای خارج از منزل با مردان و امور داخلی به عهده زنان بود. همواره کارهای بالاتر و افتخار آمیز را به مردان نسبت می دادند. با ارتقاء سطح سواد و آموزش عمومی به خصوص در میان زنان، زنان دوشادوش مردان وارد بازار کار شده و کارهای تخصصی را نیز به خود اختصاص دادند. اشتغال زنان که هم از نظر تعداد و هم

درصد آن نسبت به کل جمعیت روز به روز در حال افزایش می باشد مسائل زیادی را برای زنان با خود به همراه آورد. زنان هم چون گذشته پس از پایان کار خارج از منزل تمام وظایفی را که قبلاً در خانه به عهده داشتند بایستی انجام دهند، چنین به نظر می رسد که شرکت زنان در فعالیت اقتصادی مردان و کمک به اقتصاد خانه تغییری در سایر وظایف آنان ایجاد نمی نماید.

در مقاله حاضر با توجه به این مسئله که دسته ای از زنان با بالارفتن سطح تحصیلات و معلومات وارد کادر اداری شده و وظایفی را از نظر اجتماعی بر عهده دارند و در کنار آن از نظر اقتصادی به امور خانواده کمک می کنند، در صدد این هستیم که تأثیر این عوامل را بر زندگی خانوادگی و روابط مبتنی بر تصمیم گیری مشخص کرده و بینیم که با وجود امور داخلی خانه مسئولیت فرزندان و کارهای جانبی مربوط به آن، دخالت زنان در سر و سامان دادن به این امور از نظر اقتصادی، آیا قدرت تصمیم گیری و نقش رهبری زن نیز تغییر کرده یا فقط بار مسئولیت بیشتری را در داخل و خارج خانه به دوش کشیده ولی در تصمیم گیری ها در امور داخلی نقش فعال و روشنی ندارد.

مواد و روشها

چنین به نظر می رسد که منبع مالی، منبع خشونت، منبع باورهای سنتی و کلیشه ای، و هم چنین شاخص هایی چون تحصیلات، درآمد، مالکیت و شغل در هر سه نسل دیده می شود که در اختیار مردان هستند ولی تأکیدی که در گذشته بر منبع باورهای فرهنگی می شد و در آن به برتری مرد در خانه تاکید می شد در نسل سوم دیده نمی شود. به طور کلی اگر چه خشونت در خانواده های امروز نیز دیده می شود و وابستگی مالی زن به مرد وجود دارد ولی موقعیت زنان با از بین رفتن فشارهای سنتی، افزایش سواد و غیره تغییر پذیرفته است و زمینه هایی فراهم شده که موقعیت زنان هم چنان تغییر کرده است.

در خصوص الگوی قدرت در خانواده می توان گفت که ساخت قدرت حتی در بعد زمانی داخل یک نسل نیز ثابت نیست. به عنوان مثال می بینیم که پسران بعد از بزرگ شدن در تصمیم گیری ها دخالت می کنند و یا به مادرشان از لحاظ مالی کمک می کنند ولی در حالت کلی در تصمیم گیری موازنه قدرت به نفع مردان بوده است.

با بالا رفتن سطح تحصیلات زنان، میزان تبادل نظر و گفت و گوی زوجین افزایش می یابد. با توجه به نظر میشل (۱۳۵۴) دستیابی زنان به مدارج عالی تحصیلی نیز فارغ از پایگاه شغلی او بر سنت های دیر پای شغلی او بر سنت های دیر پای قدرت در خانواده بسیار موثر است. آنان به محض ارتقا در هر مورد اتخاذ تصمیم را امری مشترک و تابع نظر زوجین می دانند. هر چه فاصله تحصیلات زنان و مردان کمتر شود و به نفع زن افزایش یابد قدرت در خانواده توزیع برابانه تری می یابد و روابط داخلی به سمت متقارن می رود.

مسئولیت زنان در انجام امور داخلی خانه اندکی کاهش پیدا کرده است. لیکن این کاهش چشمگیر نیست و زنان کماکان مسئولیت سنتی انجام دادن امور را به عهده دارند. امروزه نظریه های جدیدی که از رویکرد فمینیستی مطرح شده است، می گوید ساختار قدرت در جامعه چگونه

پخش شده است. اتفاقی که در جامعه رخ می دهد تقسیم قدرتی است که به بعضی ها قدرت می دهد و به بعضی نه. این قدرت می تواند از طریق قانون، منابع اقتصادی، آداب و رسوم و فرهنگ اجتماعی به دست آمده باشد. تقسیم کار میان زنان و مردان می تواند روی توزیع قدرت خانگی تأثیر بگذارد. گاهی استقلال مالی زنان و مردان می تواند قدرت و سلطه مرد در خانه را کنترل کند و به زن امکان دهد تا خارج از محیط خانه با جامعه ارتباط بیشتری برقرار کند. در تحقیقات نشان داده شده که زنان شاغل هنگامی که درآمد مختص به خود داشته باشند قدرت تصمیم گیری بیشتری در امر خانواده دارند.

به همین ترتیب می توان متذکر شد که لزوم تغییر در الگوی سنتی روابط قدرت در خانواده، آموزش فراگیر به زنان و مردان و ارائه الگوی جدید از تساوی بین زن و مرد به خانواده کاملاً احساس می شود (قندهاری، ۱۳۸۲).

در این مقاله تحقیقات مورد مطالعه به دو دسته تحقیقات مربوط به ایران و تحقیقات سایر کشورها تقسیم شده است. در مورد تحقیقات مربوط به ایران کوشش به عمل آمده است تا همه آنها جمع آوری گردد. اما بدون شک دسترسی به همه تحقیقات خارجی میسر نبوده است. تحقیقات ایرانی به استثنای دو تحقیق که یکی به زبان انگلیسی و دیگری به زبان آلمانی می باشد بقیه به زبان فارسی هستند. تحقیقات خارجی مورد بررسی همه به زبان انگلیسی است.

الف - تحقیقات مربوط به ایران:

شهبلا اعزازی در رساله دکتری خود تحت عنوان «موقعیت زنان شاغل در ایران: تأثیرات اجتماعی کار بر روی زنان شاغل» (۱۹۸۰) که به زبان آلمانی است به این نتیجه می رسد که زنان کارمند و معلم هم به خاطر علاقه و رفاه بیشتر، یعنی فراهم کردن کالاهای غیر ضروری کار می کنند و هم آگاهی های اجتماعی آنان بر اثر کار افزایش می یابد. منجمله اینکه مسائل شغلی همسر خود را بهتر درک کرده و تفاهم بیشتر بین آنان بوجود می آید. اما همکاری مرد در کارهای خانه چندان قابل توجه نیست.

باقر ساروخانی استاد جامعه شناسی دانشگاه تهران در تحقیقی تحت عنوان «اثرات اشتغال زن بر خانواده - تحقیقی در شهر تهران» نتیجه می گیرد که پدیده اشتغال زن که خود به دنبال دیگر حرکات جامعه رخ داده یکی از عوامل عمده دگرگونی خانواده سنتی است که امروز مشاهده می کنیم. هرم قدرت آن چنان که در تمامی اعصار وجود داشت تغییر یافته دیگر تسلط بی چون و چرای پدر قبول نیست. آنجا که مادر احساس می کند مادر بودن، زن بودن و خانه داری به معنای دور ماندن از قدرت اجتماعی و بالطبع قبول برتری مرد است، پس رها کردن خانه از جانب او امری بدیهی است. اما شاغل شدن زن در فعالیت های تازه اجتماعی به موازات خود بازگشت مرد را به خانه و تقسیم وظایف مربوط به خانه را همراه نداشته است. این تحقیق بر روی ۱۰۲۰ خانواده در مناطق مختلف شهر تهران به طریق پیمایشی انجام گرفته است.

مرکز تحقیقات مطالعه و سنجش صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران در یک تحقیق کتابخانه ای تحت عنوان «اشتغال زنان در خارج از خانه و اثرات آن بر خانواده» به این نتیجه می

رسد که شاغل شدن زن روابط و نقش سنتی زن و مرد را در خانواده تا حدودی تغییر داده است. کار زن در بیرون از خانه تسلط همه جانبه مرد را در خانواده که ریشه در قرون گذشته دارد دچار اختلال کرده و زن را از عنوان مجری دستورات مرد تا حدود زیادی رها کرده است. شاغل شدن زن اگر چه در تغییر هرم قدرت و تصمیم گیری در امور خانواده مؤثر است اما در مورد مشارکت شوهران در امور خانه داری تأثیر چندانی ندارد و هنوز بیشترین وظایف مربوط به خانه به عهده زنان است. نتیجه این تحقیق هم چنان نشان می دهد که انگیزه اصلی شاغل شدن زنان چه در ایران و چه در جهان کمک به بودجه خانوار بوده است.

ب- تحقیقات در سایر کشورها:

تحقیقاتی که عمدتاً پیرامون پایگاه اجتماعی زن و ساختار قدرت در خانواده در غرب انجام شده بیشتر به سال های بعد از سال ۱۹۵۰ (بعد از جنگ جهانی دوم) مربوط می شود.

تحقیقاتی که در دهه ۱۹۶۰ در آمریکا و اروپا انجام گرفته است، نشان می دهد که پایگاه حقوقی شغل زن یکی از معنی دارترین عوامل تعیین کننده قدرت در خانواده، انجام کارهای منزل، مفهوم نقش های زن و مرد، تعداد واقعی و تعداد مطلوب فرزندان در برنامه ریزی خانوادگی است. در آمریکا، «ربربلود»، «دنالدولف»، «هیر»، «وللر» و «روبن هیل»، و در اروپا، «رنه کونیک»، «میشل»، «لوپری»، «آنت لاموزه»، «بوریک»، «زوسویک»، «سافیلوس» و «روچیلد» نشان داده اند که اشتغال زن موجب کاهش قدرت شوهر و برابری آنان در تصمیم گیری می شود که مبین بهبود پایگاه حقوقی زن در زندگی زناشویی است.

در آمریکا، «هیل»، «هوفمن»، «بلادو ولف»، در اروپا، «لوپلا» (بلژیک)، «میشل» (فرانسه)، «لاموزه» (آلمان غربی)، «پیوتروفسکی» (لهستان)، «یونگ» و «ویلموت» (انگلستان) مشاهده کرده اند که شغل زن باعث مشارکت بیشتر مرد در کارهای خانه می شود. مثلاً در خانواده های پارسی که زنان شاغل هستند بیش از یک سوم مردان (۳۵٪) نظافت کف اتاق ها را به تنهایی و یا به طور مساوی با کمک همسران شان انجام می دهند. در خانواده هایی که زنان فقط خانه دار هستند، این رقم به (۱۲٪) تقلیل می یابد.

از جمله تحقیقی که در سال ۱۹۶۰ توسط «آندره میشل» انجام شد که نوعی همبستگی را بین اشتغال زنان و توزیع عادلانه تر نقش ها و وظایف نشان داد. یافته های این پژوهش که بر مقایسه ای بین وضعیت زنان شاغل و غیر شاغل مبتنی بود، نشان داد که کار رایگان زنان، چه به صورت خانه دار و چه به عنوان مغازه دار و صنعتگر به هیچ وجه موقعیت یا اقتدار آنان را به عنوان زن افزایش نمی داد، زیرا آنان از این طریق درآمدی متعلق به خود کسب نمی کردند.

«رنه کونیک»، «لوپری»، «زوسویک» و «روچیلد» نیز در تحقیقات خود نشان داده اند که پایگاه حقوقی شغل زن، یکی از معنی دارترین عوامل تعیین کننده کنش متقابل زناشویی است. بر اساس تحقیقات آنها، شغل زن با کاهش قدرت شوهر و برابری در تصمیم گیری همراه است. به عبارت دیگر داشتن شغل برای زن درآمدی به وجود می آورد که می تواند به وسیله آن پایگاه حقوقی خویش را به نحو قابل توجهی بهبود ببخشد. پایگاه حقوقی شغل زن به عنوان یک متغیر مستقل،

در توزیع قدرت، انجام کارهای منزل، مفهوم نقش های زن و مرد، تعداد واقعی و تعداد مطلوب فرزندان، موفقیت در برنامه ریزی خانوادگی و به خصوص تعداد مطلوب فرزندان و رضایت زن در ازدواج مؤثر است.

در ایالات متحده آمریکا «دیوید هیر»، روی روابط بین کار زن و قدرت بدون توجه به شخصیت های متفاوت شوهران و زنان شاغل و خانه دار مطالعه ای به عمل آورده و به این نتیجه رسیده است که خصوصیت مسلط مرد در خارج از محدوده خانواده که برای وی در منزل ایجاد قدرت می کند، در مورد زنان شاغل صادق نیست.

در آلمان «لاموزه»، لهستان «پیوتروفسکی»، انگلستان «یونک» و «ویلنوت» مشاهده کرده اند که شغل زن باعث مشارکت بیشتر مرد در کارهای منزل می شود.

تحقیقات دیگری در کشورهای اروپایی انجام شده، مبنی بر این که کار خارج از منزل و کسب درآمد توسط زن باعث افزایش قدرت تصمیم گیری وی، همکاری بیشتر مرد در کارهای منزل، تقسیم کار عادلانه و مراقبت و نگهداری از فرزندان به طور مشترک میان زن و شوهر می شود. عمده تأکید این پژوهش ها، بر نقش و تأثیر اشتغال زن و درآمد او بر ساختار روابط و قدرت در خانواده است. چنان چه «فریدمن»، «ویلتن» و «کمپبل» در آمریکا در طی تحقیقاتی به این نتیجه رسیده اند که اشتغال زن تأثیر مستقیم بر تعداد فرزندان در خانواده دارد. به عبارت دیگر زنان شاغل فرزندان کمتری به نسبت زنان خانه دار دارند.

پژوهش های مربوط به قدرت مالی و تأثیر آن در تصمیم گیری توسط «رابرت بلود» و «دونالدولف» در آمریکا انجام گرفت. نتیجه ای که این دو محقق گرفتند این بود که توزیع تصمیم گیری بین زن و شوهر و قدرت مرد (شوهر) با سطح تربیت، دستمزد و تحصیلات او رابطه مستقیم دارد. در مورد زن نیز این رابطه صادق است. به عبارت دیگر از نظر «بلود ولف» اشتغال، تحصیلات و دستمزد زن در افزایش قدرت تصمیم گیری وی تأثیر مستقیم دارد. هرچند به اعتقاد آنها در صورت عدم توافق زن و شوهر، مرد دارای قدرت تصمیم گیری بیشتری است. از اطلاعات به دست آمده، محققین مزبور چنین نتیجه گرفته اند که برتری در تصمیم گیری با فردی است (مرد یا زن) که درآمد بیشتری دارد. تربیت، تحصیلات و درآمد مناسب، برتری قابل ملاحظه ای در روابط زناشویی برای فرد به وجود می آورد.

از نظر «دیوید هیر»، موازنه قدرت بین زن و شوهر، به مقایسه درآمدهایی که در زندگی زناشویی مورد استفاده قرار می گیرد با درآمدهایی که هر یک از زن و شوهر می توانستند در خارج از زندگی زناشویی به کار برند بستگی دارد. «هیر» از این مسئله تحت عنوان «نظریه مبادله» یاد می کند. به اعتقاد او هر کدام از زوجین قدرت مالی بیشتری در اختیار داشته باشد، برتری با اوست و در زندگی زناشویی، او بیشتر قدرت تصمیم گیری دارد.

هرچند باید گفت در تمامی تحقیقات اعتقادات و باورداشت های اجتماعی جامعه مورد مطالعه، نقش و تأثیر مهمی در چگونگی نگرش و نوع دیدگاه افراد بر عوامل مؤثر در جایگاه زنان در ساختار قدرت خانواده دارند. مثلاً «هاوکز» و «تیلور» در تحقیقات خود در میان کارگران مکزیکی مهاجر در

آمریکا به این نتیجه رسیده اند که چون هنوز در این خانواده ها فرهنگ پدرسالاری حاکم است، بیشترین قدرت تصمیم گیری نیز بر حول محور مرد در نقش (شوهر یا پدر) قرار دارد. این پژوهش ها کم و بیش در کشورهای در حال توسعه نیز نتایج مشابهی داشته است. از آن جمله تحقیق مربوط به «کامیوری» در تونس است. وی عقاید ۷۹ زن تونسی را درباره محدود کردن تعداد کودکان و نقش خانوادگی آن ها مورد مطالعه و سنجش قرار داده و نتیجه گرفته است که شغل جواب دهندگان، متغیر قاطع و مشخصی در دگرگونی رفتار و وجه نظر زنان تونسی است، نه سطح تربیت آن ها، به عبارت دیگر زن های تونسی که دارای شغلی رضایت بخش بودند، بیش از زنان دیگر، با دگرگونی نقش زن در ازدواج و خانواده موافق اند.

رابطه بین اعتقادات مذهبی و قدرت در خانواده نیز توسط «درووارجان» بر روی هندی های مهاجر در کانادا بررسی شده است. یافته های این پژوهش نشان می دهد که اعتقاد مذهبی قوی تر با وفاداری و پای بندی قوی تر به هنجارهای پدرسالاری همراه است. «مری ج - مونی گتاف» در رساله دکتری خود تحت عنوان «زنان و قدرت شخصی» (۱۹۷۹) نشان می دهد که تحصیلات بالا، زن را قادر می سازد تا کار کند و استقلال مالی داشته باشد، بدین وسیله قدرت شخصی او، یعنی تواناییش برای کنترل زندگی خود جهت رسیدن به اهدافش بیشتر می گردد. اطلاعات لازم در این تحقیق از طریق مصاحبه های عمقی با بیست زن در مرکز پنسیلوانیا جمع آوری شده بود.

مطالعات «آگ برن» و «نیم کف» در آمریکا نشان می دهد که:

- ۱) بین درصد زنان شاغل و درآمد همسران شان رابطه معکوس وجود دارد. دلایل کار کردن برای هر دو جنس یکی است اما نه با یک درصد مساوی.
 - ۲) کار کردن زنان رابطه نزدیک با تعداد و سن فرزندان شان دارد. هر چه تعداد فرزندان بیشتر شود، درصد زنان در نیروی کار کمتر می گردد.
 - ۳) فعالیت اقتصادی زنان در مقابل دریافت مزد، به خصوص در نیمه اول قرن بیستم موجب اصلاح الگوی پدرشاهی در جهت برابری قدرت زن و مرد شده است. ازدیاد فرصت های آموزش و پرورش برای زنان که آنان را مجهز به مهارت هایی منطبق با نظم جدید اقتصادی کرده و اصول آزادی را گسترش داده است. عامل مهم دیگری در ازدیاد قدرت زن می باشد.
- مطالعات ویلیام گود نشان می دهد که زن شاغل در طبقه اجتماعی - اقتصادی پائین، قدرت بیشتری به دست می آورد. مادر شاغل، در قسمت کارهای مربوط به خانواده مقدری از قدرت خود را از دست می دهد زیرا در این جا شوهر وی نقش مهم تری به دست می آورد.
- «بلاد ولف» در تحقیق خود الگویی برای مشخص کردن قدرت خانوادگی به عنوان تصمیم گیرنده نهایی ارائه کردند. آنها برای سنجش قدرت تصمیم گیری هشت محدوده زندگی مانند: (۱) شغل شوهر، (۲) محل مسافرت، (۳) بیمه عمر شدن، (۴) محل سکونت، (۵) کارکردن یا نکردن زن، (۶) انتخاب اتومبیل، (۷) انتخاب پزشک، (۸) هزینه خوراک، پوشاک و لوازم منزل را در نظر گرفتند، و از خانواده ها سؤال کردند در هر یک از موارد فوق، تصمیم نهایی را چه کسی اتخاذ می کند.

همچنین «آن آوارز» در پژوهشی درباره ساخت قدرت در خانواده های «شیلیایی» ساختار قدرت را بر اساس ۹ عامل تصمیم گیری تعیین کرده و سپس از زنان خانواده ها پرسیده است که تا چه حد تصمیمات نهایی را شوهر، زن و یا هر دو اخذ می کنند. این ۹ عامل عبارتند از:

- (۱) دکوراسیون خانه، (۲) تحصیلات کودکان، (۳) هزینه کردن درآمد، (۴) نحوه گذراندن اوقات فراغت، (۵) سفر و مقصد آن، (۶) انتخاب دوستان، (۷) برنامه ریزی های مربوط به آینده، (۸) معاشرت با دوستان، (۹) معاشرت با اقوام.

در هر حال باید گفت تحقیقاتی که از سال های ۱۹۶۰ تا ۱۹۸۰ به بعد صورت گرفته دگرگونی قدرت در خانواده را نشان می دهد. اگر در سال های ۱۹۶۲ تنها ۳۳٪ از مادران خانواده با عقیده «مهم ترین تصمیم گیری ها در مورد زندگی از جانب شوهر اتخاذ می شود» مخالف بودند، درصد مخالفین در سال ۱۹۸۰ به ۷۱٪ رسیده بود. اما در عین حال باید توجه داشت که در تصمیم گیری ها «پول» و کسب درآمد نقش عمده ای ایفا می کنند. مخصوصاً که پول از طرف زن و مرد به طور متفاوت ارزشیابی شود، مردان معمولاً از طریق پول به هویت و قدرت می رسند، در صورتی که برای زنان پول به معنای خودمختاری و امنیت است. در نتیجه در خانواده اگر زنان پول و درآمد بیشتری کسب کنند، مردان قدرت بیشتری را به آنان واگذار می کنند.

«آیتک» در بررسی های خود مشخص کرد مردانی که همسران آنها در پست های بالا قرار دارند، بیشتر از سایر شوهران در انجام فعالیت های خانگی شرکت دارند. یعنی با افزایش درآمد زن، شوهر حتی در آماده کردن غذا بیشتر از سابق و بیشتر از مردان دیگر کمک می کند. «آیتک» معتقد است، تقسیم کار سنتی درون خانواده با افزایش موقعیت زنان در نیروهای کار تغییر می کند و هر اندازه که مقام زن در شغلش بالاتر باشد، از قدرت بیشتری در خانواده برخوردار می شود. به این ترتیب روشن شد که در پژوهش هایی که تاکنون در خصوص پایگاه زن در خانواده انجام گرفته، بیشترین تأکید بر روی نقش عواملی چون اشتغال، تحصیلات و درآمد زن بوده است. همچنین مواردی چون اعتقاد مذهبی و شیوه زندگی شخصی و الگوی خانوادگی نیز مورد مطالعه و بررسی قرار گرفته است. هر چند لزوم انجام پژوهش های بیشتری در مورد تأثیر محیط تربیتی خانواده خاستگاه مرد، ویژگی های شخصیتی زن، فیزیک و اندام ظاهری وی، قوانین تدوین شده در رابطه با وضعیت زنان و نگرش زن به خود و توانایی هایش و... همچنان احساس می شود.

چنانچه «هیر» در مطالع خود درباره قدرت نسبی زن و شوهر به این نتیجه رسیده است که زنان قدرت شوهر خود را بیش از آنچه واقعاً هست، جلوه می دهند و به این ترتیب خود را دارای قدرت و توانایی تصمیم گیری کمتری در مسایل خانوادگی می بینند.

فعالیت زنان شاغل و غیر شاغل

امروزه هر چند تکنولوژی، جدید بسیاری از کارها مانند رختشویی با دست را از بین برده و این گونه کارها به طور کامل به ماشین ها واگذار شده است. اما باید توجه داشت که استفاده از وسایل و دستگاه های برقی هر چند که باعث سهولت کار می شوند، اما خود سبب به وجود آمدن تقاضا برای فعالیت های جدید می گردند. دستگاه هایی مانند آب میوه گیری، مخلوط کن، انواع فرهای مجهز

و... تقاضا برای انواع خوراکی ها را به وجود آورده که بدون وجود این دستگاه ها و تبلیغات وابسته به آن خانواده آن ها را تهیه نمی کرد. به این ترتیب ساعات کار زنان خانه دار بسیار بالاست. و با افزایش تعداد فرزندان، ساعات کاری که در خانه انجام می دهند افزایش می یابد.

مجموعه تحقیقات انجام شده بر کمک های ناچیز مرد در انجام امور خانه چه زن خانه دار باشد یا شاغل تأکید می کنند. به طور کلی، مردان حدود ۱۵٪ از فعالیت های خانگی را با درخواست همسرانشان بدون قبول مسئولیت های لازم، تنها طبق دستورالعمل همسر انجام می دهند. در بررسی «پروس» در سال ۱۹۷۶ می بینیم که زن خانه دار آلمانی به طور متوسط ۷۰ ساعت در هفته کار می کند. یعنی هر چند از لحاظ استفاده از وسایل مدرن در زندگی زن خانه دار آلمانی تغییرات مهمی به وجود آمده، اما ساعات کاری زن خانه دار کاهش چندانی زیاد نیافته است. تنها تحقیقات جدید در آمریکا (از ۱۹۸۰ به بعد) نمایانگر ساعات کمتر کار زن خانه دار در حدود ۵۰-۴۰ ساعت در هفته است، اما در این مورد باید به عادات غذایی در آمریکا به خصوص استفاده فراوان از غذاهای آماده و خریداری شده از بیرون توجه داشت. این عادات در اروپا کمتر و در ایران با توجه به هزینه خرید غذا از بیرون، تقریباً وجود ندارد. هم آداب غذا خوردن و هم چگونگی خرید مواد اولیه غذایی و آماده سازی آن ها در ایران از کشورهای اروپایی وقت گیرتر است. اما در عین حال می توان گمان برد که برخی از فعالیت های زنان اروپایی در ایران احتیاج به زمان کمتری دارند و یا به ندرت انجام می گیرد (اعزازی، ۱۳۸۲).

حال ببینیم کار خانگی شامل چه کارهایی است؟

- انجام کارهای خانه (مانند پخت و پز، رفت و روب، خرید و...)
- تربیت کودک
- رسیدگی به کارهای همسر و فرزندان
- نگهداری از پیران و بیماران
- ارائه خدماتی به تناسب وضعیت خانواده (مانند خیاطی در منزل و یا پاک کردن سبزیجات در مقابل دستمزد و...)

مدرنیسم و تأثیرش بر خانواده و زنان، ویژگی های خاصی را آفریده است. اگر مدرن شدن در غرب از بار وظایف خانگی زن کاسته است، در ایران هسته ای شدن خانواده، بر وظایف خانگی و تنوع نقش های وی افزوده است. یعنی نقش هایی که در گذشته اصلاً وجود نداشته یا او در انجامش با دیگران سهیم بوده است یا به عهده کسان دیگری بوده، اکنون بر دوش او گذاشته است. این تنوع و تعدد نقش ها، زنان خانه دار امروزی را اغلب در موقعیت کشمکش نقش ها یعنی مواجهه با انتظارات متضاد دیگران قرار می دهد که سلامت جسمی و روانی آن ها را تهدید می کند. زنان خانه دار، علیرغم انجام نقش های اجتماعی متنوع چون مادر، پرستار، مربی، مشاور، مسئول آبروی خانه، همسر، مدیر و... که همگی مؤید مشارکت وسیع زنان خانه دار در امر توسعه است از حقوق مدنی اندکی برخوردارند.

مطالعه موردی

در این پژوهش، مراحل انجام کار بر اساس الگوی روش علمی تنظیم گشته و بعد از طرح پرسش‌ها و با در نظر گرفتن فرضیه‌های پژوهش مطالعات اکتشافی شامل تهیه و گردآوری متون نظری مربوط با موضوع مورد مطالعه انجام گرفته، سپس جامعه آماری مورد نظر تعیین و تجدید گردیده. تهیه و تنظیم پرسشنامه که پس از بررسی مقدماتی و انجام اصلاحات لازم در جامعه مورد تحقیق به اجرا گذاشته شد. تکمیل پرسشنامه‌ها هم زمان با انجام مصاحبه صورت گرفته است. بعد از جمع‌آوری پرسشنامه‌ها و دریافت اطلاعات پردازش و تحلیل داده‌ها در قالب روش‌های توصیفی - تحلیلی انجام شده است.

لازم به ذکر است که داده‌های این پژوهش با استفاده از روش‌های کیفی - توصیفی و روش‌های کمی - آماری که استخراج داده‌ها و نمایش آن‌ها در جداول یک بعدی، چگونگی ارتباط بین متغیرها و ارایه اطلاعات مربوط در جداول دو بعدی و رد و تأیید فرضیه‌های پژوهش با استفاده از آزمون X2 باشد با برنامه کامپیوتری SPSS انجام گرفته است.

نحوه‌گزینش جامعه مورد مطالعه:

جامعه مورد مطالعه در این پژوهش زنان شاغل و کارمند آموزش و پرورش و زنان خانه‌داری که همسر آنها در آموزش و پرورش شاغل و ساکن شهر کرج می‌باشند، که ۳ سال از ازدواج آنها گذشته باشد و حداقل یک فرزند داشته باشند. حجم نمونه ما ۲۰۰ نفر را شامل می‌شود. در این بررسی هدف، مطالعه زنان شاغل و اثرات اشتغال زنان و زنان خانه‌دار بر روابط خانوادگی مبتنی بر قدرت و تصمیم‌گیری است. بدین منظور سازمان آموزش و پرورش را به عنوان جامعه مورد بررسی انتخاب نمودیم.

تعداد کل زنان شاغل در آموزش و پرورش ناحیه ۲ کرج در سال تحصیلی ۸۶-۸۵ تعداد ۲۸۳۰ نفر می‌باشد. لازم به ذکر است که چون هریک از معلمان پاسخگو در مدارس متعددی تدریس می‌نمایند پس قابلیت تعمیم‌پذیری نتایج حاصله نیز بالاست. از سوی دیگر برگزیدن زنان خانه‌دار که همسران آن‌ها شاغل در آموزش و پرورش بوده موجب نزدیک شدن جامعه آماری زنان شاغل و زنان خانه‌دار شده است.

فرضیات مطرح شده در مطالعه موردی

در مطالعه موردی مورد نظر ۸ فرضیه بررسی در قالب ۳۲ سوال مطرح گردید. فرضیات مطرح شده به شرح زیر می‌باشند.

- ۱ - آیا اشتغال زن در جایگاه وی در هرم قدرت تاثیر دارد؟
- ۲ - آیا تحصیلات دانشگاهی زن در قدرت تصمیم‌گیری وی در به نام کردن اموال و مایملک خانواده مؤثر است؟
- ۳ - آیا مردان تحصیل کرده گرایش دارند با زنان شاغل ازدواج کنند؟
- ۴ - آیا محیط تربیتی و فرهنگی خانواده خاستگاه مرد در نوع نگرش مرد به زن در زندگی زناشویی خود مؤثر است؟
- ۵ - آیا دارایی‌ها و درآمد زن باعث افزایش جایگاه وی در هرم قدرت خانواده می‌شود؟

۶ - آیا مردان با افزایش سطح تحصیلات گرایش دارند با زنانی پایین تر از سطح تحصیلی خود ازدواج کنند؟

۷ - آیا اشتغال زن در قدرت تصمیم گیری وی در به نام کردن املاک خانواده مؤثر است؟

۸ - آیا نگرش مرد به زن می تواند بیش از سایر عوامل (تحصیلات، اشتغال، و درآمد زن) در جایگاه زن در هرم قدرت خانواده مؤثر باشد؟
نتایج بررسی فرضیات مطالعه موردی در جدول ۱- نشان داده شده است.
جدول ۱-: نتایج بررسی فرضیات مطالعه موردی

| فرضیه | نوع آزمون | سطح معنی داری | در چه آزادی | نتیجه آزمون |
|--|-----------|---------------|-------------|--|
| اشتغال زن در جایگاه وی در هرم قدرت تاثیر دارد | کایسکور | ۰/۰۰۶ | ۱ | فرضیه موردتائید است |
| تحصیلات دانشگاهی زن در قدرت تصمیم گیری وی در به نام کردن اموال و مایملک خانواده مؤثر است | کایسکور | ۰/۰۴ | ۱ | رابطه معنی دار وجود دارد |
| به نظر می رسد مردان تحصیل کرده گرایش دارند با زنان شاغل ازدواج کنند | کایسکور | ۰/۰۳ | ۱ | رابطه معنی دار وجود دارد |
| محیط تربیتی و فرهنگی خانواده خاستگاه مرد در نوع نگرش مرد به زن در زندگی زناشویی خود مؤثر است | کایسکور | ۰/۰۳۳ | ۱ | رابطه معنی دار وجود دارد |
| دارایی ها و درآمد زن باعث افزایش جایگاه وی در هرم قدرت خانواده می شود | کایسکور | ۰/۰۰۴ | ۱ | رابطه معنی دار وجود دارد |
| مردان با افزایش سطح تحصیلات گرایش دارند با زنانی پایین تر از سطح تحصیلی خود ازدواج کنند | کایسکور | ۰/۰۷۸ | ۱ | رابطه معنی دار وجود ندارد، فرضیه رد می شود |

| | | | | | |
|---|--------------------------|---|-------|---------|--|
| ☑ | رابطه معنی دار وجود دارد | ۱ | ۰/۰۰۱ | کایسکور | اشتغال زن در قدرت تصمیم گیری وی در به نام کردن املاک خانواده موثر است |
| ☑ | رابطه معنی دار وجود دارد | ۱ | ۰/۰۴۹ | کایسکور | نگرش مرد به زن بیش از سایر عوامل در جایگاه زن در هرم قدرت خانواده موثر است |

نتیجه گیری مطالعه موردی

- ۱- اشتغال زن در جایگاه وی در هرم قدرت تاثیر دارد.
- ۲- نگرش مرد به زن بیش از سایر عوامل در جایگاه زن در هرم قدرت خانواده موثر باشد.
- ۳- اشتغال زن در قدرت تصمیم گیری وی در به نام کردن املاک خانواده موثر است.
- ۴- مردان با افزایش سطح تحصیلات گرایش ندارند با زنانی پایین تر از سطح تحصیلی خود ازدواج کنند.
- ۵- دارایی ها و درآمد زن باعث افزایش جایگاه وی در هرم قدرت خانواده می شود.
- ۶- محیط تربیتی و فرهنگی خانواده خاستگاه مرد در نوع نگرش مرد به زن در زندگی زناشویی خود موثر است.
- ۷- مردان تحصیل کرده گرایش دارند با زنان شاغل ازدواج کنند.
- ۸- تحصیلات دانشگاهی زن در قدرت تصمیم گیری وی در به نام کردن اموال و مایملک خانواده موثر است.

جمع بندی تحقیق

بررسی ساختار قدرت در خانواده و جایگاه زن در درون آن از اهم مباحث اجتماعی است. تا زمانی که نیمی از پیکر جامعه ایرانی فعال نشود جامعه به توسعه پایدار راه نمی یابد تا زمانی که زنان در کانون خانوادگی شأن شایسته نیابند، نمی توانند فرزندان توانا و شایسته فراهم آورند. همان گونه که ملاحظه شد، مهم ترین عوامل تأثیرگذار بر جایگاه زن در هرم قدرت خانواده، آموزش از یکسو و اشتغال زن را فراهم می آورد، و هم از سوی دیگر پذیرش فرودستی را منع می کند و مشارکت قربانی را از بین می برد. چنین به نظر می رسد که، کهنتری موضع زنان در خانواده، بیش از آن که امری اقتصادی باشد، امری فرهنگی - اجتماعی است. تأثیر اشتغال زنان نیز بیش از آن که ناشی از درآمد مالی زنان باشد، از دگرگونی ارزش ها و افزایش آگاهی های اجتماعی زنان شاغل مایه می گیرد. چنان که ملاحظه شد، بیشترین عنصر تأثیرگذار سطح تحصیلات زن است. با تحولات جامعه در حال گذر ایران اوضاع و احوال حاکم بر خانواده ها هم در حال دگرگونی است و برای جلوگیری از تنش و گسیختگی روابط خانوادگی و در راستای همسویی متقابل جامعه و خانواده دموکراتیک، ضرورت تغییر کنش های سنتی، قواعد و کلیشه های مربوط به آن احساس می شود.

بنابراین نتیجه می‌گیریم که قدرت مردان در امور تصمیم‌گیری خانواده‌های امروزی به خصوص شاغلین رو به کاهش است و در بیشتر خانواده‌های شاغل الگوی تشریک مساعی در امور تصمیم‌گیری خانواده وجود دارد. زنان شاغل کمتر مطیع و تصویر فرمانبر بودن از خود دارند و تا حدودی اقتدار شوهر را در خانواده پذیرا هستند. خانواده‌های زنان شاغل در مقابل زنان غیر شاغل از ساخت دموکراتیک بالاتری برخوردار هستند. زنان شاغل در واقع الگوهای سنتی را در خانواده‌ها به زیر سؤال برده‌اند، هم‌چنین در خانواده‌ها علیرغم قدرت مردان، زنان از نفوذ بیشتری برخوردار هستند.

منابع و مأخذ

- ۱- میشل، آندره ، ۱۳۵۴، **جامعه‌شناسی خانواده و ازدواج** ، ترجمه فرنگیس اردلان، تهران انتشارات دانشکده علوم اجتماعی و تعاون دانشگاه تهران
- ۲- قندهاری، پردیس، ۱۳۸۲، **زن و قدرت**، تهران، سازمان میراث فرهنگی کشور، معاونت پژوهشی، پژوهشکده مردم‌شناسی
- ۳- اعزازی، شهلا، ۱۳۸۲، **جامعه‌شناسی خانواده**، تهران: روشنگران و مطالعات زنان
- ۴- جی‌گود، ویلیام، ۱۳۵۲، **خانواده و جامعه**، ترجمه ویدا ناصحی، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب
- ۵- ساروخانی، باقر، ۱۳۸۰، **درآمدی بر دایره‌المعارف علوم اجتماعی**، تهران: انتشارات کیهان، چاپ سوم
- ۶- ساروخانی، باقر، ۱۳۸۲، **روش‌های تحقیق در علوم اجتماعی**، تهران: نشر دیدار، جلد سوم
- ۷- ساروخانی، باقر، ۱۳۷۹، **مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی خانواده** ، تهران: انتشارات سروش، چاپ سوم
- ۸- ساروخانی، باقر، ۱۳۸۴، **مقاله، نگاهی به جامعه‌شناسی خانواده در ایران** ، انجمن جامعه‌شناسی ایران
- ۹- ساروخانی، باقر، ۱۳۸۴، **زن، قدرت و خانواده**، پژوهش زنان، شماره ۲، ص ۲۹ - ۴۹